



دیجیتال سازی ثبت در مناطق آزاد

تنها رسانه مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در ایران و جهان

سه شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ | سال ششم | شماره ۱۷۷ | ۴ صفحه | قیمت ۴۰۰۰۰ تومان

روزنامه الکترونیکی

info@TejarateJahani.Com

14-07-2026

www.TejarateJahani.Com

تجارت جهان

تجارت جهانی گزارش می دهد

قیمت هادر

منطقه آزاد انزلی

زیر ذره بین سازمان

تجارت جهانی بررسی می کند

کیش در مسیر

گردشگری داده محور

لاوان؛

میان نفت و التهاب



سیستان به مرز تجارت

وصل شد



ماهشهر؛ شوک به بازار

پتروشیمی



آلمان و فرانسه؛

الگوی مناطق آزاد محدود

و اجرای پروژه های کربن زدایی ایفا می کند. همچنین فرودگاه فرانکفورت، با برخورداری از تسهیلات پیشرفته گمرکی، یکی از مهم ترین هاب های هوایی اروپا به شمار می رود. این رویکرد، ضمن کاهش هزینه های لجستیکی، به تقویت زنجیره تأمین صنایع نیز کمک کرده است.

در مقابل، آلمان و فرانسه حمایت از تولید را از مسیر سیاست های هوشمند صنعتی دنبال می کنند. صنعت خودرو حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی آلمان را تشکیل می دهد و خودرو و قطعات آن در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۶ درصد صادرات این کشور را به خود اختصاص داده است. فرانسه نیز با اجرای برنامه «فرانسه ۲۰۳۰» به ارزش ۵۴ میلیارد یورو، تولید دو میلیون خودروی بدون آلایندگی تا سال ۲۰۳۰ و توسعه کارخانه های تولید باتری را هدف گذاری کرده است. این برنامه ها با تکیه بر اعتبارات تحقیق و توسعه، حمایت از خوشه های صنعتی و سرمایه گذاری در فناوری های سبز، بدون نقض قوانین رقابت اتحادیه اروپا، توان رقابتی صنایع را تقویت کرده اند.

تجربه آلمان و فرانسه نشان می دهد که در اقتصاد های پیشرفته، کیفیت زیر ساخت ها، نیروی انسانی متخصص و سیاست های صنعتی هدفمند، بیش از ایجاد مناطق آزاد گسترده، به ارتقای رقابت پذیری کمک می کند. این الگو توانسته است میان حمایت از تولید و پایبندی به قوانین اتحادیه اروپا توازن برقرار کند و نمونه ای قابل توجه برای سایر کشورها باشد.

تجارت جهان آلمان و فرانسه، با وجود اقتصاد های پیشرفته و نقش محوری در اتحادیه اروپا، تنها تعداد محدودی منطقه آزاد دارند. این دو کشور به جای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی گسترده با معافیت های مالیاتی فراگیر، بر تسهیلات گمرکی هدفمند در بنادر و فرودگاه های راهبردی و اجرای سیاست های صنعتی دقیق تمرکز کرده اند؛ رویکردی که ریشه در مقررات سخت گیرانه اتحادیه اروپا درباره کمک های دولتی دارد.

بر اساس گزارش های اتحادیه اروپا و داده های رسمی، آلمان تنها دو بندر آزاد فعال، شامل برمرهاون و کاکسهاون، در اختیار دارد و بسیاری از مناطق آزاد تاریخی آن، از جمله اشپایشرشتات هامبورگ، طی سال های گذشته تعطیل شده اند. فرانسه نیز تنها چند منطقه محدود، از جمله منطقه آزاد بندر بوردو (لو وردون) و منطقه تجارت آزاد ماری را حفظ کرده است. این در حالی است که شورهای مانند لهستان، ۱۴ منطقه ویژه اقتصادی ایجاد کرده اند. علت اصلی این تفاوت، قوانین اتحادیه اروپا در زمینه کمک های دولتی است که اعطای معافیت های گسترده را محدود و بر حفظ رقابت عادلانه میان کشورهای عضو تأکید می کند.

این دو کشور به جای گسترش مناطق آزاد، توسعه زیر ساخت های لجستیکی راهبردی را در اولویت قرار داده اند. بندر ماری، به عنوان یکی از بزرگ ترین هاب های تجاری مدیترانه، با بهره گیری از منطقه آزاد خود، نقشی کلیدی در حمل و نقل چندوجهی

مرز مهران در مسیر جهش اقتصادی

محسوب می شود و به دلیل فاصله جغرافیایی مناسب با شهرهای مهم عراق، ظرفیت بالایی برای توسعه خدمات لجستیکی دارد. ایجاد پایانه های مدرن حمل و نقل، مراکز توزیع کالا، سردخانه ها و انبارهای استاندارد می تواند ارزش افزوده فعالیت های مرزی را افزایش دهد؛ زیرا در اقتصاد امروز، مرز صرفاً محل عبور کالا نیست، بلکه نقطه ای برای شکل گیری شبکه های تولید و خدمات است.

بر اساس مطالعات توسعه ای مناطق ویژه اقتصادی، موفقیت چنین مناطقی به سه عامل اصلی وابسته است: زیر ساخت، مشوق های سرمایه گذاری و ثبات مدیریتی. منطقه ویژه اقتصادی مهران پیش از این نیز دارای طرح جامع مصوب بوده و توسعه آن در چارچوب برنامه های اقتصادی کشور دنبال شده است.

از منظر سرمایه گذاری، مهم ترین فرصت های مهران را می توان در چند محور دسته بندی کرد:

نخست، صنایع صادرات محور؛ واحدهای تولیدی که بتوانند مواد اولیه را به محصولات قابل عرضه در بازار عراق و سایر کشورهای منطقه تبدیل کنند، از مزیت نزدیکی به بازار مصرف برخوردار خواهند بود.

دوم، لجستیک و حمل و نقل بین المللی؛ با افزایش تجارت زمینی ایران و عراق، تقاضا برای خدمات انبارداری، بسته بندی، ناوگان حمل و نقل و مراکز پشتیبانی افزایش خواهد یافت.

سوم، خدمات تجاری و مالی؛ ایجاد مراکز خدمات کسب و کار، دفاتر تجاری و زیر ساخت های پشتیبان می تواند هزینه مبادلات را کاهش دهد.

حسنارچی

روزنامه نگار



تجارت جهان فراخوان سازمان منطقه

آزاد مهران برای جذب سرمایه گذار، فصل تازه ای در مسیر تبدیل یکی از مهم ترین گذرگاه های مرزی غرب کشور به کانون تجارت، لجستیک و تولید صادرات محور گشوده است. این برنامه در شرایطی مطرح می شود که مرز مهران به دلیل موقعیت جغرافیایی، نزدیکی به بازار عراق و نقش پررنگ در مبادلات مرزی، ظرفیت تبدیل شدن به یک هاب اقتصادی منطقه ای را دارد؛ اما تحقق این هدف به میزان موفقیت در جذب سرمایه، توسعه زیر ساخت ها و ایجاد زنجیره ارزش اقتصادی وابسته است.

منطقه آزاد مهران در حالی وارد مرحله جذب سرمایه گذار می شود که اقتصاد مرزی ایران به دنبال عبور از مدل سنتی صادرات کالا و حرکت به سمت ایجاد زیر ساخت های پایدار تجاری است. سازمان منطقه آزاد مهران اعلام کرده است که برای معرفی ظرفیت ها و فرصت های سرمایه گذاری، جلسه توجیهی ویژه متقاضیان سرمایه گذاری برگزار خواهد کرد؛ اقدامی که می تواند مسیر ورود فعالان اقتصادی در حوزه های حمل و نقل، انبارداری، خدمات گمرکی، صنایع تبدیلی، گردشگری و تجارت منطقه ای را هموار کند.

بررسی شاخص های اقتصادی نشان می دهد مزیت اصلی مهران، موقعیت ترانزیتی آن است. مرز مهران یکی از مسیرهای مهم ارتباطی ایران با عراق

یادداشت روز

صادرات ایران؛ میان تحریم و فرصت های جدید

می تواند نقش مهمی در کاهش هزینه های لجستیکی، تسهیل دسترسی به بازارهای اوراسیا و تقویت جایگاه ایران در تجارت منطقه ای ایفا کند.

در سوی دیگر، کاهش احتمالی محدودیت های بین المللی می تواند فرصت هایی برای احیای صادرات نفت، جذب سرمایه گذاری خارجی در حوزه انرژی و زیر ساخت و ایجاد ثبات بیشتر در اقتصاد کشور فراهم کند. با این حال، بهره گیری پایدار از این فرصت ها نیازمند اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، ارتقای بهره وری تولید و بهبود فضای کسب و کار خواهد بود.

تحولات جدید در زنجیره های تأمین جهانی، از جمله نزدیک سازی تولید به بازارهای مصرف و همکاری میان کشورهای همسوس، فرصت های تازه ای برای ایران ایجاد کرده است. کشور می تواند در حوزه هایی مانند پتروشیمی، صنایع معدنی و محصولات کشاورزی فرآوری شده، به تأمین کننده ای مهم برای بازارهای منطقه تبدیل شود؛ مشروط بر آنکه تنوع بخشی به بازارهای صادراتی، توسعه محصولات رقابت پذیر و دیپلماسی اقتصادی فعال در اولویت قرار گیرد.

در نهایت، آینده صادرات ایران در سال ۲۰۲۶ به توانایی کشور در مدیریت فشارهای ژئوپلیتیک، استفاده از ظرفیت کریدورهای تجاری و حرکت به سمت اقتصادی متنوع و تاب آور وابسته است. بهره گیری از فرصت های جدید تجارت جهانی می تواند مسیر تازه ای برای رشد صادرات ایجاد کند، اما تحقق این هدف نیازمند تصمیم های راهبردی و اصلاحات پایدار داخلی است.

نادیا محمدی

معاون سر دبیر



تجارت جهان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۶ با رشد کند حدود ۱.۹ درصدی مواجه است؛ در شرایطی که اقتصاد ایران همچنان تحت تأثیر فشارهای ژئوپلیتیک و تحریم های یکجانبه قرار دارد. در این میان، صادرات کشور در نقطه ای حساس میان محدودیت های خارجی و فرصت های تازه ناشی از تغییرات زنجیره تأمین جهانی قرار گرفته است.

آمارها نشان می دهد صادرات غیرنفتی ایران در سال های اخیر در محدوده ۵۱ تا ۵۸ میلیارد دلار قرار داشته، اما نوسانات شدید در صادرات نفت و کاهش درآمد های حاصل از این بخش، فشار قابل توجهی بر منابع ارزی کشور وارد کرده است. در صورت تداوم تحریم ها، ایران ناگزیر خواهد بود همکاری های تجاری خود با شرکای آسیایی مانند چین، روسیه، هند و ترکیه را از مسیرهایی همچون استفاده از ارزهای ملی، ابزارهای پرداخت جایگزین و سازوکارهای غیرمعارف مالی توسعه دهد. با وجود مزیت های این مسیر، تجربه نشان داده است که چنین روش هایی هزینه های مبادلاتی را افزایش داده و دسترسی به فناوری های نوین، تجهیزات و قطعات مورد نیاز صنایع را محدود می کند.

در این شرایط، توسعه کریدورهای ترانزیتی و مسیرهای جایگزین تجاری اهمیت ویژه ای پیدا می کند. کریدور بین المللی شمال - جنوب (INSTC) با رشد حجم محموله های عبوری در سال های اخیر و هدف گذاری برای افزایش ظرفیت سالانه،

تجارت جهانی بررسی می‌کند

کیش در مسیر گردشگری داده‌محور



نادیا محمدی
معاون سردیر

تجارت جهان در اقتصاد امروز، رقابت میان مقاصد گردشگری دیگر تنها بر سر سواحل زیباتر، هتل‌های مجلل‌تر یا مراکز خرید بزرگ‌تر نیست. آنچه شهرها و مناطق گردشگری را از یکدیگر متمایز می‌کند، توانایی آنها در تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، شناخت رفتار گردشگران و طراحی سیاست‌هایی است که بر پایه پژوهش شکل گرفته باشند. از همین منظر، انتشار فراخوان معاونت گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش برای جذب پژوهشگران، بیش از آنکه یک اطلاعیه اداری باشد، نشانه‌ای از تغییر رویکرد در حکمرانی گردشگری است؛ تغییری که می‌تواند آینده بزرگ‌ترین مقصد گردشگری دریایی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

سال‌هاست که صنعت گردشگری جهان از مدیریت سنتی فاصله گرفته است. امروز، موفق‌ترین مقاصد گردشگری با استفاده از داده‌های بزرگ (Big Data)، هوش مصنوعی، مطالعات رفتار مصرف‌کننده و پژوهش‌های اقتصادی، الگوی سفر گردشگران را تحلیل می‌کنند و بر همان اساس برای توسعه زیرساخت‌ها، بازاریابی، سرمایه‌گذاری و حفاظت از منابع طبیعی برنامه‌ریزی می‌کنند. در چنین فضایی، هر منطقه‌ای که فاقد نظام پژوهشی منسجم باشد، ناگزیر با آزمون و خطا حرکت خواهد کرد؛ روشی که هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی به همراه دارد. کیش طی چهار دهه گذشته، جایگاه ویژه‌ای در صنعت گردشگری ایران به دست آورده است. این جزیره با وسعت حدود ۹۲ کیلومتر مربع، یکی از شناخته‌شده‌ترین مناطق آزاد کشور محسوب می‌شود و اقتصاد آن بیش از هر چیز بر گردشگری، تجارت و خدمات استوار است. موقعیت جغرافیایی، سواحل مرجانی، زیرساخت‌های مناسب اقامتی، فرودگاه بین‌المللی و قوانین تسهیل‌شده ورود گردشگران، مزیت‌هایی هستند که کمتر منطقه‌ای در ایران به‌صورت هم‌زمان در اختیار دارد.

با این حال، مزیت‌های طبیعی به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیستند. بازار گردشگری در دهه اخیر دگرگون شده است. گردشگران امروز تنها به دنبال خرید یا اقامت نیستند؛ آنها تجربه می‌خواهند. تجربه‌ای که از ترکیب فرهنگ، تفریح، فناوری، محیط‌زیست، رویدادها، کیفیت خدمات و حتی روایت‌های مقصد شکل می‌گیرد. شناخت

این تغییرات بدون پژوهش‌های مستمر امکان‌پذیر نیست. انتشار فراخوان همکاری با پژوهشگران را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. این اقدام نشان می‌دهد که سیاست‌گذار گردشگری کیش، بیش از گذشته به نقش دانش در فرآیند تصمیم‌سازی توجه کرده است. اگر این رویکرد به ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع، انجام مطالعات مستمر و استفاده واقعی از نتایج تحقیقات منجر شود، می‌تواند کیفیت سیاست‌گذاری را به شکل محسوسی ارتقا دهد.

یکی از چالش‌های دیرینه گردشگری ایران، نبود داده‌های منسجم و قابل اتکا است. بسیاری از تصمیم‌ها بر پایه برآوردهای کلی یا تجربیات شخصی اتخاذ می‌شوند، در حالی که اقتصاد گردشگری نیازمند شاخص‌های دقیق است؛ از میانگین مدت اقامت گردشگران گرفته تا میزان هزینه‌کرد آنها، الگوی مصرف، رضایت‌مندی، دلایل انتخاب مقصد، نقاط ضعف خدمات و ظرفیت واقعی بازارهای هدف.

برای نمونه، اگر مشخص شود که گردشگران خانوادگی بیشترین سهم سفر به کیش را دارند، سیاست‌های توسعه‌ای باید به سمت افزایش امکانات خانوادگی، تفریحات کودک‌محور و خدمات اقامتی مناسب این گروه هدایت شود. اگر داده‌ها نشان دهد که گردشگران خارجی بیشترین علاقه را به گردشگری دریایی یا میراث فرهنگی دارند، سرمایه‌گذاری نیز باید متناسب با همان نیازها تعریف شود. این همان نقطه‌ای است که پژوهش، مستقیماً به اقتصاد تبدیل می‌شود.

تجربه‌های جهانی نیز همین واقعیت را تأیید می‌کنند. بسیاری از مقاصد موفق گردشگری در جهان، پیش از اجرای هر پروژه بزرگ، مطالعات جامع اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی انجام می‌دهند. پژوهش در این کشورها هزینه نیست؛ سرمایه‌گذاری برای کاهش ریسک تصمیم‌گیری است. پروژه‌هایی که بر پایه تحقیقات علمی اجرا می‌شوند، معمولاً بازده اقتصادی بیشتری دارند و با مقاومت اجتماعی یا آسیب‌های محیط‌زیستی



کمتری روبه‌رو می‌شوند.

برای کیش نیز چنین نگاهی اهمیت مضاعف دارد. این جزیره نه تنها یک مقصد گردشگری، بلکه آزمایشگاهی برای سیاست‌های اقتصادی کشور است. هر تصمیم درباره توسعه سواحل، ساخت هتل، برگزاری رویدادهای بین‌المللی، توسعه گردشگری سلامت، گردشگری دریایی یا حتی حمل‌ونقل شهری، نیازمند پشتوانه مطالعاتی است. نبود چنین پشتوانه‌ای می‌تواند منابع مالی قابل توجهی را به پروژه‌هایی اختصاص دهد که بازده لازم را ندارند.

از سوی دیگر، گردشگری ایران در آستانه ورود به دوره‌ای تازه قرار گرفته است. تغییر الگوهای سفر، رشد فناوری‌های دیجیتال، گسترش رزروهای آنلاین، افزایش نقش شبکه‌های اجتماعی در انتخاب مقصد و رقابت شدید میان کشورهای منطقه، ضرورت بازنگری در سیاست‌های توسعه گردشگری را دوچندان کرده است. در چنین شرایطی، مزیت رقابتی دیگر صرفاً به منابع طبیعی وابسته

گزارش کوتاه

لاوان؛ میان نفت و التهاب



تجارت جهان جزیره لاوان در خلیج فارس، با وجود وسعت محدود جغرافیایی، به دلیل استقرار زیرساخت‌های نفتی و نقش آن در زنجیره تأمین انرژی ایران، به یکی از نقاط حساس اقتصادی و امنیتی منطقه تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک در خلیج فارس، نام منطقه ویژه اقتصادی لاوان و پالایشگاه این جزیره در برخی گزارش‌های رسانه‌ای مرتبط با تحولات امنیتی مطرح شده است؛ با این حال، جزئیات این گزارش‌ها در منابع مختلف یکسان نیست و ارزیابی دقیق آنها نیازمند اتکا به داده‌های رسمی و قابل راستی‌آزمایی است.

منطقه ویژه اقتصادی لاوان را می‌توان یکی از نمونه‌های مهم پیوند میان اقتصاد انرژی و امنیت ملی دانست؛ جایی که یک محدوده صنعتی کوچک در یک جزیره استراتژیک، به دلیل نزدیکی به مسیرهای دریایی خلیج فارس و قرار گرفتن در کنار زیرساخت‌های نفتی، اهمیت فراتر از اندازه جغرافیایی خود پیدا کرده است. دولت ایران در چارچوب توسعه مناطق ویژه اقتصادی، لاوان را به عنوان یکی از مناطق دارای فعالیت‌های مرتبط با صنایع نفت، گاز و فراوری انرژی تعریف کرده است. اهمیت اقتصادی لاوان عمدتاً به فعالیت‌های پالایشی و ذخیره‌سازی انرژی بازمی‌گردد. پالایشگاه نفت لاوان از جمله واحدهای پالایشی ایران است که وظیفه دریافت خوراک هیدروکربوری و تولید فراآورده‌هایی مانند بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و سوخت هواپیما را بر عهده دارد. چنین تأسیساتی در ساختار انرژی کشور تنها یک واحد تولیدی نیستند؛ بلکه بخشی از شبکه‌ای هستند که امنیت عرضه سوخت، صادرات فراآورده‌ها و پایداری اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما موقعیت ژئوپلیتیک لاوان، هم‌زمان یک مزیت و یک ریسک ایجاد کرده است. خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطق انرژی جهان محسوب می‌شود و هرگونه افزایش تنش در این منطقه می‌تواند بر نگاه بازارها، هزینه بیمه حمل‌ونقل دریایی، مسیرهای صادراتی و انتظارات سرمایه‌گذاران اثر بگذارد. تجربه بحران‌های گذشته نشان داده است که حتی خبرهای تأییدنشده درباره آسیب احتمالی به زیرساخت‌های انرژی می‌تواند موجب واکنش سریع در بازارهای جهانی شود؛ زیرا بازار نفت معمولاً پیش از وقوع اختلال واقعی، به احتمال اختلال واکنش نشان می‌دهد.

در ماه‌های اخیر، برخی گزارش‌های رسانه‌ای، نام تأسیسات لاوان و پالایشگاه این جزیره را در ارتباط با تنش‌های منطقه‌ای مطرح کرده‌اند. با این حال، بررسی این ادعاها نشان می‌دهد که میان گزارش‌های

گزارش کوتاه

سیستان به مرز تجارت وصل شد



طولانی بودن فرآیندهای اداری در برخی نقاط مرزی بوده است. اتصال منطقه آزاد سیستان به گمرک میلک می‌تواند بخشی از این گلوگاه‌ها را کاهش دهد.

اهمیت این اتصال در چهار محور اصلی قابل بررسی است. نخست، تسهیل ترخیص کالا. زمانی که ساختار منطقه آزاد و گمرک مرزی هماهنگ عمل کنند، فرآیند ورود مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و صادرات مجدد می‌تواند با سرعت بیشتری انجام شود. کاهش زمان توقف کالا در مرز، یکی از شاخص‌های مهم رقابت‌پذیری در تجارت بین‌الملل است؛ زیرا هر روز تأخیر در زنجیره تأمین می‌تواند هزینه‌هایی را افزایش دهد.

دومین محور، افزایش شفافیت و کنترل رسمی جریان کالا است. مناطق مرزی در صورت نبود سازوکارهای دقیق نظارتی ممکن است با مشکلاتی مانند چندگانگی تصمیم‌گیری، تأخیر اداری و رشد تجارت غیررسمی مواجه شوند. اتصال سازمان منطقه آزاد سیستان به گمرک میلک، امکان هماهنگی بیشتر میان مدیریت منطقه آزاد، گمرک و سایر دستگاه‌های نظارتی را فراهم می‌کند. سومین اثر احتمالی این اقدام، تقویت نقش سیستان در تجارت منطقه‌ای است. استان سیستان و بلوچستان با وجود برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه، سال‌ها با چالش‌هایی مانند نرخ بالای بیکاری، فاصله از مراکز صنعتی کشور و محدودیت فرصت‌های سرمایه‌گذاری روبه‌رو بوده است. بر اساس آمارهای رسمی، این استان در زمره استان‌هایی قرار دارد که توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در آن اهمیت ویژه‌ای دارد. ایجاد فعالیت‌های تجاری پایدار در منطقه آزاد سیستان می‌تواند به جذب سرمایه، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد‌های محلی کمک کند.

نیست؛ بلکه کیفیت حکمرانی، سرعت تصمیم‌گیری و توان تحلیل داده‌ها تعیین‌کننده خواهد بود.

نکته مهم دیگر، ایجاد شبکه‌ای از پژوهشگران متخصص است. بسیاری از تحقیقات دانشگاهی در ایران پس از دفاع از پایان‌نامه‌ها به بایگانی سپرده می‌شوند و ارتباط مؤثری میان دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی شکل نمی‌گیرد. اگر فراخوان اخیر بتواند این فاصله را کاهش دهد و پژوهشگران را در فرآیند واقعی سیاست‌گذاری مشارکت دهد، نتیجه آن تنها تولید مقاله نخواهد بود؛ بلکه تولید راهکارهایی عملی برای حل مسائل گردشگری خواهد بود.

البته موفقیت این مسیر، تنها به انتشار فراخوان محدود نمی‌شود. مهم‌تر از جذب پژوهشگر، نحوه استفاده از یافته‌های پژوهشی است. تجربه نشان داده است که بسیاری از مطالعات ارزشمند به دلیل نبود سازوکار اجرایی، هرگز وارد چرخه تصمیم‌گیری نمی‌شوند. بنابراین، معیار موفقیت این طرح را باید در میزان تأثیر تحقیقات بر برنامه‌های توسعه‌ای، بودجه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های اجرایی سنجید.

کیش امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند گذار از مدیریت مبتنی بر تجربه فردی به مدیریت مبتنی بر شواهد است. این گذار، نه تنها کیفیت خدمات گردشگری را افزایش می‌دهد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران را نیز تقویت می‌کند.

سرمایه‌گذار زمانی با اطمینان وارد یک پروژه می‌شود که بداند تصمیم‌های مدیریتی بر اساس داده‌های معتبر و مطالعات علمی اتخاذ شده است.

در نهایت، فراخوان اخیر را باید فراتر از یک دعوت به همکاری تلقی کرد. این اقدام، اگر با استمرار، شفافیت و بهره‌گیری واقعی از نتایج پژوهش همراه شود، می‌تواند نقطه آغاز شکل‌گیری اکوسیستم دانش‌بنیان گردشگری در کیش باشد؛ اکوسیستمی که در آن دانشگاه، پژوهشگر، مدیر، سرمایه‌گذار و فعالان صنعت گردشگری در کنار یکدیگر، آینده این جزیره را طراحی کنند.

اقتصاد گردشگری در قرن بیست‌ویکم بر پایه اطلاعات حرکت می‌کند و مقصدی موفق خواهد بود که پیش از ساختن هتل‌های بیشتر، درباره نیازهای گردشگران بیشتر بداند. کیش با برداشتن گام به سوی پژوهش، این پیام را مخابره کرده است که آینده گردشگری، نه فقط بر ساحل و آفتاب، بلکه بر دانش، تحلیل و تصمیم‌گیری علمی استوار خواهد بود.

منتشرشده تفاوت‌هایی وجود دارد و بخشی از اطلاعات منتشرشده نیازمند بررسی مستقل است. در حوزه زیرساخت‌های انرژی، انتشار اخبار ناقص یا تأیید نشده می‌تواند پیامد اقتصادی داشته باشد؛ از تغییر رفتار معامله‌گران گرفته تا افزایش نگرانی درباره امنیت زنجیره تأمین. از منظر اقتصادی، حساسیت لاوان تنها به تولید روزانه فراآورده‌های نفتی محدود نمی‌شود. ارزش واقعی چنین تأسیساتی در نقش آنها به عنوان حلقه‌ای از یک شبکه بزرگ‌تر است. توقف موقت یا کاهش ظرفیت یک واحد پالایشی می‌تواند باعث تغییر در جریان انتقال خوراک، توزیع فراآورده‌ها و برنامه‌های صادراتی شود. در اقتصاد انرژی، یک تأسیسات کوچک در یک نقطه راهبردی می‌تواند اثراتی بزرگ‌تر از ظرفیت اسمی خود ایجاد کند؛ موضوعی که پژوهش‌های مربوط به آسیب‌پذیری شبکه‌های تجارت نفت نیز بر آن تأکید دارند.

از منظر امنیتی، حفاظت از زیرساخت‌های انرژی به یکی از اولویت‌های اصلی کشورهای تولیدکننده نفت تبدیل شده است. پالایشگاه‌ها، پایانه‌های صادراتی و تأسیسات ذخیره‌سازی به دلیل نقش حیاتی در اقتصاد، همواره در محاسبات امنیتی منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند. افزایش تهدیدهای ترکیبی شامل جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری و فشارهای سیاسی، باعث شده مفهوم امنیت انرژی تنها به حفاظت فیزیکی محدود نباشد و ابعاد گسترده‌تری پیدا کند.

با این حال، تحلیل‌گران انرژی معتقدند ارزیابی وضعیت لاوان باید بر پایه داده‌های قابل اتکا انجام شود، نه صرفاً بر اساس موج‌های خبری. فاصله میان «گزارش یک حادثه» و «اثرات واقعی اقتصادی» بسیار مهم است. بازارها، دولت‌ها و شرکت‌های انرژی معمولاً برای تصمیم‌گیری به اطلاعاتی مانند میزان خسارت، مدت توقف فعالیت، ظرفیت جایگزین و شرایط عملیاتی نیاز دارند.

تجارت جهانی گزارش می‌دهد

ارس؛ نسخه تولیدمحور برای عبور از اقتصاد پریسک

تجارت جهان: در سالی که اقتصاد ایران همچنان زیر فشار تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و نوسان‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد، مناطق آزاد بیش از هر زمان دیگری در معرض یک آزمون مهم قرار گرفته‌اند؛ اینکه آیا می‌توانند از نقش سنتی خود به‌عنوان محل واردات و تجارت عبور کرده و به موتورهای واقعی تولید و صادرات تبدیل شوند یا خیر. آنچه در تازه‌ترین مواضع مدیران منطقه آزاد ارس مطرح شد، پیش از آنکه گزارشی از یک نشست اداری باشد، ترسیم راهبردی است که تولید صنعتی، توسعه صادرات و کاهش موانع سرمایه‌گذاری را در مرکز سیاست‌گذاری این منطقه قرار می‌دهد.



پایه دارند.

یکی دیگر از محورهای قابل توجه، تأکید بر حفظ تولید در دوره‌های بحران است. اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته بارها با شوک‌های ارزی، محدودیت‌های وارداتی، اختلال در زنجیره تأمین و تنش‌های منطقه‌ای مواجه بوده است. در چنین شرایطی، حفظ فعالیت واحدهای تولیدی نه تنها از منظر اقتصادی، بلکه از منظر امنیت اجتماعی نیز اهمیت پیدا می‌کند. جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، حفظ اشتغال و حتی افزایش تولید در برخی واحدها، نشان می‌دهد بخشی از صنایع مستقر در ارس توانسته‌اند تاب‌آوری عملیاتی خود را افزایش دهند.

در کنار تولید، زیرساخت نیز به یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه ارس

منطقه آزاد ارس امروز نه تنها بزرگ‌ترین قطب صنعتی در میان مناطق آزاد ایران به شمار می‌رود، بلکه از نظر موقعیت جغرافیایی نیز یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اتصال اقتصاد ایران به بازارهای قفقاز، روسیه، آسیای مرکزی و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیاست. این مزیت جغرافیایی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تجارت جهانی در حال بازآرایی زنجیره‌های تأمین و شکل‌گیری مسیرهای جدید ترانزیتی است؛ روندی که می‌تواند برای مناطق مانند ارس فرصت‌های کم‌سابقه‌ای ایجاد کند.

تولید، مهم‌ترین محور سیاست‌های اعلام‌شده در ارس است. تجربه اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر نشان داده‌اند اتکای صرف به درآمد‌های نفتی یا فعالیت‌های تجاری کوتاه‌مدت، توان ایجاد رشد پایدار را ندارد. در مقابل، هر منطقه‌ای که بتواند ظرفیت صنعتی خود را افزایش دهد، علاوه بر ایجاد اشتغال، امکان حضور مستمر در بازارهای صادراتی را نیز پیدا خواهد کرد. از همین منظر، تأکید بر توسعه تولید هدفمند و صادرات‌محور، مهم‌ترین پیام سیاست‌گذاران ارس محسوب می‌شود.

بر اساس آمار رسمی سازمان منطقه آزاد ارس، تاکنون ۳۰۲ پروانه بهره‌برداری صنعتی در این منطقه صادر شده و بیش از ۴۰۰ واحد نیز دارای جواز تأسیس هستند که بخشی از آنها در مراحل ساخت و بخشی دیگر در حال تکمیل فرآیندهای اداری قرار دارند. این ارقام نشان می‌دهد ارس از مرحله ایجاد زیرساخت عبور کرده و اکنون وارد دوره توسعه ظرفیت‌های صنعتی شده است؛ مرحله‌ای که کیفیت سرمایه‌گذاری و بهره‌وری واحدهای تولیدی اهمیت بیشتری نسبت به تعداد پروژه‌ها پیدا می‌کند.

در همین حال، عملکرد صادراتی منطقه نیز قابل توجه است. طبق اعلام معاونت توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد ارس، تنها طی سه ماه گذشته بیش از ۵۰ میلیون دلار صادرات از محل تولیدات واحدهای صنعتی این منطقه ثبت شده است. اگر این روند در طول سال حفظ شود، ارزش صادرات صنعتی ارس می‌تواند از مرز ۲۰۰ میلیون دلار نیز عبور کند؛ رقمی که برای یک منطقه آزاد، به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های بانکی و تحریمی، اهمیت قابل توجهی دارد.

اما اهمیت واقعی این آمار تنها در ارزش دلاری صادرات نیست، بلکه در ترکیب آن نهفته است. برخلاف صادرات مبتنی بر مواد خام، بخش مهمی از تولیدات صنعتی ارس شامل صنایع غذایی، محصولات شیمیایی، تجهیزات صنعتی، مصالح ساختمانی، صنایع سلولزی، پلاستیک، نساجی و قطعات صنعتی است؛ محصولاتی که ارزش افزوده بالاتری ایجاد کرده‌و وابستگی کمتری به نوسان قیمت کالاهای

گزارش کوتاه

برای شکستن دیوار بروکراسی و جذب سرمایه صورت گرفت

دیجیتال سازی ثبت در مناطق آزاد



با وجود این ظرفیت، برخی گزارش‌ها از سهم حدود ۶۱ درصدی شرکت‌های صوری در مناطق آزاد حکایت دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد مزیت‌های قانونی این مناطق، از جمله معافیت‌های مالیاتی بلندمدت، در صورت نبود نظارت هوشمند، می‌تواند به جای جذب سرمایه مولد، زمینه سوءاستفاده از مشوق‌ها را فراهم کند. دیجیتال‌سازی فرآیند ثبت می‌تواند بخشی از این مشکل را حل کند. اتصال سامانه‌ها، ثبت الکترونیکی سوابق و امکان پایش مستمر فعالیت شرکت‌ها، مسیر شناسایی کسب‌وکارهای غیرواقعی را کوتاه‌تر می‌کند و اجازه می‌دهد حمایت‌ها به سمت شرکت‌های تولیدی، صادراتی و فناوری هدایت شود.

مناطق آزاد ایران با برخورداری از معافیت‌های مالیاتی ۱۵ تا ۲۰ ساله، تسهیلات گمرکی و موقعیت جغرافیایی ویژه، قرار است به یکی از ابزارهای توسعه تجارت غیرنفتی تبدیل شوند. با این حال، پیچیدگی‌های اداری و کندی فرآیندهای اجرایی، بخشی از ظرفیت این مناطق برای جذب سرمایه داخلی و خارجی را محدود کرده است.

بر اساس داده‌های موجود، در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۴ میزان سرمایه‌گذاری داخلی در مناطق آزاد به ۸۲۷۹ میلیارد ریال رسید؛ رقمی که نشان‌دهنده تداوم جریان سرمایه‌گذاری داخلی است. اما همچنان سهم سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با ظرفیت‌های بالقوه این مناطق محدود باقی مانده است.

اجرای کامل ثبت الکترونیکی می‌تواند این معادله

تجارت جهان: تصمیم اخیر دبیرخانه

شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای اجرای کامل فرآیندهای الکترونیکی انتقال دفتر مرکزی شرکت‌ها و ثبت شعب، صرفاً یک تغییر اداری نیست؛ بلکه می‌تواند نقطه آغاز یک اصلاح ساختاری در فضای کسب‌وکار ایران باشد. این اقدام که پس از راه‌اندازی وب‌سرویس‌های تعیین نام شرکت‌ها و تخصیص شناسه ملی دنبال می‌شود، زنجیره ثبت کسب‌وکار را به یک مسیر یکپارچه دیجیتال تبدیل می‌کند؛ مسیری که هدف آن کاهش زمان، هزینه و اصطکاک ورود فعالان اقتصادی به مناطق آزاد است.

در اقتصادهایی که رقابت برای جذب سرمایه‌شدت گرفته، سرعت و سهولت آغاز فعالیت اقتصادی به یکی از معیارهای اصلی سرمایه‌گذاران تبدیل شده است. فرآیندهای طولانی ثبتی، مراجعات حضوری متعدد و نبود اتصال میان سامانه‌های اداری، سال‌ها یکی از گلوگاه‌های اصلی فعالیت بخش خصوصی در ایران بوده است. دیجیتال‌سازی ثبت می‌تواند با حذف بخشی از هزینه‌های پنهان، از زمان رفت‌وآمد گرفته تا واسطه‌گری‌های اداری، فضای شفاف‌تری برای فعالیت اقتصادی ایجاد کند.

تجربه ماه‌های اخیر در حفظ پایداری خدمات ثبتی در شرایط افزایش تهدیدهای سایبری و تنش‌های امنیتی نیز نشان‌داد زیرساخت‌های دیجیتال کشور ظرفیت مقاومت در برابر فشارهای بیرونی را دارند. با این حال، همین تجربه اهمیت سرمایه‌گذاری بیشتر در امنیت سایبری و ایجاد سامانه‌های مقاوم را برجسته می‌کند؛ زیرا در اقتصاد دیجیتال، اختلال در داده‌ها و خدمات الکترونیکی می‌تواند به اندازه اختلال در زنجیره تأمین، هزینه‌زا باشد.

آمارها نشان می‌دهد چالش مناطق آزاد، نبود شرکت ثبت‌شده نیست؛ بلکه فاصله میان ثبت حقوقی و فعالیت اقتصادی واقعی است. تا پایان سال ۱۴۰۰، بیش از ۲۲ هزار و ۶۲۹ شرکت در هفت منطقه آزاد اصلی کشور ثبت شده بود. در این میان، منطقه آزاد ارس با ۵۶۹۰ شرکت ثبت‌شده بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بود.

اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از سال ۲۰۲۵ وارد مرحله اجرایی شده، فرصت کم‌نظیری برای تولیدکنندگان ایرانی ایجاد کرده است. این توافق، دسترسی ترجیحی به بازاری با بیش از ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت و تولید ناخالص داخلی چند تریلیون دلاری را فراهم می‌کند؛ ظرفیتی که اگر با توسعه تولید در مناطقی مانند ارس همراه شود، می‌تواند سهم صادرات غیرنفتی ایران را افزایش دهد.

با این حال، مسیر توسعه بدون چالش نیست. یکی از مهم‌ترین موانعی که فعالان اقتصادی مناطق آزاد طی سال‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده‌اند، اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در این مناطق است. فلسفه شکل‌گیری مناطق آزاد، ایجاد محیطی رقابتی با مقررات ساده‌تر نسبت به سرزمین اصلی بوده است، اما اجرای برخی قوانین مالیاتی و افزایش بروکراسی، بخشی از این مزیت رقابتی را کاهش داده است. از همین رو، پیگیری اصلاح این قانون را می‌توان یکی از مهم‌ترین مطالبات بخش خصوصی دانست؛ مطالبه‌ای که در صورت تحقق، می‌تواند هزینه سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش دهد.

در کنار اصلاح قوانین، کاهش بروکراسی اداری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. تجربه اقتصادهای موفق آسیایی نشان داده سرعت صدور مجوزها، شفافیت مقررات و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات، گاه تأثیری بیش از مشوق‌های مالی بر جذب سرمایه‌گذاری دارند. تأکید مدیران ارس بر برگزاری نشست‌های منظم با انجمن‌های صنعتی، فعالان اقتصادی و تشکل‌های بخش خصوصی را می‌توان تلاشی برای نزدیک‌تر شدن نظام تصمیم‌گیری به نیازهای واقعی تولید دانست؛ رویکردی که در صورت تداوم، می‌تواند فاصله میان سیاست‌گذار و صنعتگر را کاهش دهد.

در نهایت، آینده ارس بیش از هر چیز به توان این منطقه در حفظ تعادل میان سه مؤلفه وابسته است؛ توسعه صنعتی، تسهیل سرمایه‌گذاری و گسترش صادرات. اگر این سه ضلع به صورت هم‌زمان تقویت شوند، ارس می‌تواند فراتر از یک منطقه آزاد، به یکی از قطب‌های صنعتی و صادراتی شمال غرب ایران تبدیل شود؛ الگویی که نشان می‌دهد مناطق آزاد زمانی موفق خواهند بود که به جای تمرکز بر تجارت مصرفی، بر تولید رقابت‌پذیر، ارزش افزوده و حضور پایدار در بازارهای بین‌المللی تکیه کنند. در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به رازآوری غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مولد نیاز دارد، مسیر انتخاب‌شده در ارس نه صرفاً یک برنامه منطقه‌ای، بلکه بخشی از راهبرد بزرگ‌تر تقویت اقتصاد تولیدمحور کشور به شمار می‌رود.

گزارش کوتاه

اختلال در شریان ریلی



این خط بخشی از شبکه‌ای است که ظرفیت جابه‌جایی میلیون‌ها تن کالا در سال را دارد و نقشی کلیدی در صادرات، واردات و ترانزیت منطقه‌ای ایفا می‌کند. هرگونه اختلال در این محور، می‌تواند زنجیره تأمین کالا، زمان تحویل محموله‌ها و هزینه حمل‌ونقل را افزایش دهد؛ موضوعی که در نهایت بر قیمت تمام‌شده کالاهای ترانزیت‌گذار خواهد بود.

با این حال، آنچه بیش از خود حادثه محل انتقاد است، نبود اطلاع‌رسانی شفاف و مستمر درباره وضعیت زیرساخت است. در شرایطی که فعالان اقتصادی، شرکت‌های حمل‌ونقل و صاحبان کالایان‌مند اطلاع از وضعیت تردد، ظرفیت جایگزین‌و زمان احتمالی بازگشایی مسیر هستند، انتشار اخبار محدود و فاقد جزئیات، به افزایش ابهام و بی‌اعتمادی دامن می‌زند.

از سوی دیگر، این حادثه بار دیگر اهمیت تاب‌آوری زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور را یادآوری می‌کند. بسیاری از کشورهای دارای کریدورهای بین‌المللی، برای مسیرهای حیاتی خود خطوط جایگزین، سامانه‌های پایش هوشمند و برنامه‌های واکنش سریع تعریف کرده‌اند تا در صورت آسیب‌دیدگی یک بخش، کل شبکه دچار اختلال نشود. چنین رویکردی در ایران نیز بیش از گذشته ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت، آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، انتشار گزارش رسمی از میزان خسارت، زمان بندی بازسازی و وضعیت بهره‌برداری از این مسیر است. تا زمانی که این اطلاعات به‌صورت دقیق و مستند منتشر نشود، تحلیل پیامدهای اقتصادی حادثه تنها بر پایه سناریوهای احتمالی خواهد بود.

تجارت جهان: آسیب‌دیدن پل آق‌تکه در مسیر راه‌آهن گرگان-اینچه‌برون، صرفاً یک حادثه عمرانی نیست؛ این رخداد، یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های ترانزیتی ایران در کریدور شرقی شمال- جنوب رانحت تأثیر قرار داده است. اگرچه تا‌زمان تنظیم این گزارش، مسئولان جزئیات نهایی میزان خسارت، هزینه بازسازی و وضعیت تردد ریلی را اعلام نکرده‌اند، اما اهمیت راهبردی این محور سبب می‌شود حتی یک وقفه کوتاه نیز پیامدهایی فراتر از استان گلستان داشته باشد. گزارش‌های منتشرشده حاکی از آن است که پل آق‌تکه بر اثر اصابت چند پرتابه آسیب دیده و تیم‌های امدادی و فنی برای ارزیابی وضعیت در محل حضور یافته‌اند. زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ستون فقرات اقتصاد هر کشور محسوب می‌شوند و راه‌آهن گرگان- اینچه‌برون یکی از مهم‌ترین مسیرهای ریلی ایران در اتصال به آسیای مرکزی است. این مسیر از طریق مرز ریلی اینچه‌برون، ایران را به شبکه ریلی ترکمنستان، قزاقستان و در نهایت روسیه متصل می‌کند و در سال‌های اخیر به یکی از محورهای مهم ترانزیت کالا در کریدور بین‌المللی شمال- جنوب تبدیل شده است.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، پل آق‌تکه در این مسیر هدف اصابت هفت پرتابه قرار گرفته و بخشی از سازه و ریل دچار آسیب شده است؛ هرچند تاکنون هیچ آمار رسمی درباره میزان تخریب، هزینه بازسازی یا مدت زمان انسداد احتمالی مسیر منتشر نشده است. همین خلأ اطلاعاتی، ارزیابی دقیق خسارت اقتصادی را دشوار کرده است. اهمیت این حادثه زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم مسیر گرگان- اینچه‌برون تنها یک خط ریلی استانی نیست،



حسنا رازی

روزنامه نگار



تجارت جهان

یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ارتباطی کشور بادیای خزر و بازارهای شمالی شناخته می‌شود. نظارت بر بازارهای منطقه آزاد انزلی وارد مرحله‌ای تازه شده است. هیئتی متشکل از نمایندگان مدیریت‌های فرهنگی، اجتماعی و گردشگری، حراست، بازرسی و بازرگانی سازمان منطقه آزاد انزلی با حضور میدانی در مراکز تجاری این منطقه، وضعیت عرضه کالا، نحوه قیمت‌گذاری و شرایط فعالیت واحدهای صنفی را بررسی کردند. این بازدید که در چارچوب برنامه‌های نظارتی سازمان منطقه آزاد انزلی انجام شد، در نگاه نخست اقدامی معمول برای کنترل بازار به نظر می‌رسد، اما در شرایط فعلی اقتصاد ایران، ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. افزایش نرخ تورم، نوسانات شدید هزینه‌های تأمین کالا و کاهش قدرت خرید خانوارها، موضوع شفافیت قیمت و نظارت بر بازار را به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل کرده است.

مناطق آزاد همواره با یک مأموریت دوگانه مواجه بوده‌اند؛ از یک سو باید محیطی جذاب و کم‌مانع برای سرمایه‌گذاری، تجارت و فعالیت اقتصادی ایجاد کنند و از سوی دیگر، نمی‌توانند از الزامات عمومی اقتصاد کشور، از جمله حفظ نظم بازار و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، فاصله بگیرند. همین مسئله باعث شده است که نحوه اعمال نظارت در این مناطق به یکی از موضوعات مهم در ارزیابی عملکرد آنها تبدیل شود.

منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی در سال ۱۳۸۴ با هدف توسعه تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی استان گیلان تأسیس شد. این منطقه که در مسیر ارتباطی ایران با کشورهای حاشیه دریای خزر و کریدورهای تجاری منطقه‌ای قرار دارد، ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه‌هایی مانند لجستیک، صادرات مجدد، گردشگری، صنایع تبدیلی و خدمات تجاری دارد.

موقعیت جغرافیایی انزلی باعث شده است که این منطقه تنها یک مرکز خرید یا محدوده تجاری نباشد، بلکه بخشی از راهبرد کشور برای توسعه تعاملات اقتصادی با بازارهای شمالی محسوب شود. با این حال، تحقق این هدف نیازمند شکل‌گیری محیطی است که در آن فعالان اقتصادی از

تجارت جهانی گزارش می‌دهد

قیمت‌ها در منطقه آزاد انزلی زیر ذره‌بین سازمان



ثبات قوانین و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات برخوردار باشند.

در شرایط تورمی، بازارهای مناطق آزاد با فشارهای متفاوتی مواجه می‌شوند. فعالان اقتصادی از یک سو با افزایش هزینه‌های واردات، حمل‌ونقل، تأمین کالا و نوسانات نرخ ارز روبه‌رو هستند و از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان انتظار دارند مزیت مناطق آزاد در قالب قیمت‌های رقابتی و شفافیت بیشتر خود را نشان دهد.

این تضاد میان هزینه‌های واقعی فعالیت اقتصادی و انتظار عمومی برای قیمت‌های پایین‌تر، یکی از چالش‌های اساسی مدیریت بازار در مناطق آزاد است. در چنین شرایطی، نظارت‌های میدانی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد تعادل ایفا کنند؛ به شرط آنکه هدف آنها صرفاً برخورد با تخلف نباشد و در کنار آن، به شناخت مشکلات واقعی

کسب و کارها نیز توجه شود.

شفافیت قیمت‌گذاری یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده اعتماد در بازار است. در محیط‌هایی مانند مناطق آزاد که بخش قابل توجهی از مشتریان آنها را گردشگران و خریداران غیرمحلی تشکیل می‌دهند، اعتماد عمومی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تفاوت‌های غیرشفاف قیمتی، نبود اطلاعات کافی درباره کالاها یا ایجاد تصور گران‌فروشی می‌تواند به اعتبار یک منطقه تجاری آسیب وارد کند.

از همین منظر، نظارت بر بازارهای منطقه آزاد انزلی را می‌توان بخشی از تلاش برای تقویت برند اقتصادی این منطقه دانست. منطقه‌ای که قصد دارد در رقابت با دیگر مراکز تجاری منطقه‌ای موفق عمل کند، باید علاوه بر زیرساخت‌های فیزیکی و مشوق‌های اقتصادی، استانداردهای

گزارش کوتاه

گزارش کوتاه

ماهشهر؛ شوک به بازار پتروشیمی



تجارت جهان

حمله‌های اسرائیل به منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در آوریل و ژوئن ۲۰۲۶، یکی از مهم‌ترین قطب‌های تولید پتروشیمی ایران را با اختلالی جدی مواجه کرد و موجی از ناپایداری را در زنجیره تأمین جهانی این صنعت به وجود آورد. این حملات که تأسیسات کلیدی، از جمله مجتمع‌های کارون، امیرکبیر و تأسیسات خدمات زیربنایی شرکت فجر را هدف قرار داد، موجب توقف یا کاهش قابل توجه تولید در این منطقه شد.

ماهشهر که حدود ۳۵ درصد از ظرفیت تولید پتروشیمی ایران را در اختیار دارد، در کنار عسلویه با سهمی نزدیک به ۵۰ درصد، نقشی محوری در صنعت پتروشیمی کشور ایفا می‌کند. حملات آوریل با هدف قرار دادن تأسیسات تأمین برق، آب و بخار، عملاً بسیاری از مجتمع‌های پایین‌دستی را از مدار تولید خارج کرد. در ژوئن نیز مجتمع کارون، تولیدکننده ایزوسیانات‌های TDI و MDI با ظرفیت سالانه حدود ۸۰ هزار تن، بار دیگر هدف حمله قرار گرفت.

بر اساس گزارش‌ها، این اختلالات به کاهش چشمگیر تولید در ماهشهر و عسلویه انجامید و ایران را ناگزیر کرد در میانه آوریل ۲۰۲۶ صادرات تمامی محصولات پتروشیمی را «تا اطلاع ثانوی» متوقف کند. هدف از این تصمیم، اولویت دادن به تأمین نیاز بازار داخلی و جلوگیری از کمبود مواد اولیه و جهش قیمت‌ها در داخل کشور بود. ایران پیش از این رخدادهای سالانه حدود ۲۹ میلیون تن محصول پتروشیمی صادر می‌کرد که ارزش آن در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار برآورد می‌شد.

پیامدهای این اختلال به سرعت در بازارهای جهانی نمایان شد. ایران یکی از صادرکنندگان اصلی

متانول، پلی‌اتیلن، پلی‌پروپیلن و دیگر محصولات پایین‌دستی به بازارهای آسیا، به‌ویژه هند و چین، همچنین اروپا و کشورهای همسایه است. توقف صادرات، فشار قابل توجهی بر قیمت پلیمرها و رزین‌ها وارد کرد؛ به‌طوری‌که قیمت پلی‌پروپیلن در برخی بازارهای آسیایی تا حدود ۲۹ درصد افزایش یافت و پلی‌اتیلن نیز در بازار هند جهشی چشمگیرا تجربه کرد. در نتیجه، صنایع پایین‌دستی کشورهای واردکننده با کمبود مواد اولیه و افزایش هزینه‌های تولید روبه‌رو شدند.

این خلأ، فرصت ارزشمندی برای رقبای منطقه‌ای فراهم کرد. عربستان سعودی و قطر که از ظرفیت‌های گسترده‌تر و زیرساخت‌های پایدارتر سنتی ایران را به دست آوردند. شرکت‌های سعودی نیز با افزایش صادرات پلیمر و متانول، از کاهش عرضه ایران بهره بردند. تحلیلگران بازار معتقدند حتی با بازگشت تدریجی واحدهای ایرانی به مدار تولید-که گزارش‌هایی از احیای حدود ۸۹ درصد ظرفیت‌ها تا ژوئن منتشر شده است- بازپس‌گیری سهم بازار به زمان نیاز خواهد داشت.

از منظر تجاری، این رویداد بار دیگر آسیب‌پذیری تمرکز تولید در چند قطب محدود را آشکار کرد. ماهشهر با وجود مزیت‌های لجستیکی، از جمله نزدیکی به بنادر امام خمینی و ماهشهر و دسترسی مناسب به خوراک، به دلیل موقعیت جغرافیایی و تنش‌های ژئوپلیتیکی، ریسک قابل توجهی برای سرمایه‌گذاران و خریداران بین‌المللی ایجاد کرده است. از همین رو، بسیاری از شرکت‌های جهانی بیش از گذشته به دنبال تنوع‌بخشی به منابع تأمین و افزایش ذخایر راهبردی خود هستند.

پارسیان؛ گره‌گاه جدید انرژی ایران در انتظار تضمین زیرساخت‌های حیاتی



تجارت جهان

در جنوب ایران و در ساحل راهبردی خلیج فارس، منطقه ویژه اقتصادی پارسیان آرام‌آرام در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مراکز صنعتی و پتروشیمی کشور است؛ منطقه‌ای که بسیاری از سیاست‌گذاران اقتصادی آن را حلقه مفقوده توسعه صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی ایران می‌دانند. با این حال، همانند بسیاری از پروژه‌های بزرگ صنعتی جهان، موفقیت پارسیان بیش از هر چیز به یک عامل وابسته است: دسترسی پایدار به انرژی.

بازدید اخیر مدیرعامل شرکت گاز استان هرمزگان و هیئت همراه از پروژه‌های صنعتی و زیرساختی منطقه ویژه اقتصادی پارسیان را می‌توان فراتر از یک بازدید اداری معمول ارزیابی کرد. این حضور در شرایطی انجام شد که ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری بالقوه و بالفعل در صنایع پتروشیمی، پایین‌دستی انرژی و صنایع وابسته به گاز در این منطقه در حال شکل‌گیری است و تأمین پایدار خوراک و سوخت، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران تبدیل شده است.

منطقه ویژه اقتصادی پارسیان طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های توسعه صنعتی کشور مطرح شده است. موقعیت جغرافیایی ممتاز، دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، فاصله مناسب با میدان‌گازی پارس جنوبی، امکان توسعه اسکله‌های تخصصی صادراتی و برخورداری از اراضی وسیع صنعتی، مجموعه‌ای از مزیت‌هایی را ایجاد کرده که کمتر منطقه‌ای در کشور به صورت هم‌زمان از آن

برخوردار است.

بازدید هیئت شرکت گاز از پروژه‌های پتروشیمی سروش انرژی پایدار و پتروشیمی لورج، نمایی از مقیاس سرمایه‌گذاری‌های در حال انجام در این منطقه را به نمایش گذاشت. این پروژه‌ها تنها بخشی از زنجیره‌ای هستند که در صورت تکمیل می‌توانند پارسیان را به یکی از قطب‌های جدید تولید محصولات پتروشیمی در ایران تبدیل کنند؛ قطبی که ظرفیت رقابت با مراکز صنعتی قدیمی تر کشور را نیز خواهد داشت.

اما تجربه توسعه صنعتی در سراسر جهان نشان داده است که مزیت‌های جغرافیایی به تنهایی برای جذب سرمایه کافی نیستند. سرمایه‌گذاران به همان اندازه که به بازار و موقعیت مکانی توجه دارند، به کیفیت زیرساخت‌ها، امنیت تأمین انرژی و قابلیت پیش‌بینی شرایط عملیاتی نیز اهمیت می‌دهند. در صنایع پتروشیمی و انرژی بر، گاز طبیعی نه تنها یک سوخت، بلکه ماده اولیه اصلی تولید محسوب می‌شود. هرگونه اختلال در تأمین این منبع می‌تواند زنجیره تولید را متوقف کرده و بازگشت سرمایه را با مخاطره مواجه سازد. در همین چارچوب، نشست مشترک میان مدیران منطقه ویژه اقتصادی پارسیان و مسئولان شرکت گاز استان هرمزگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. محور اصلی این نشست، بررسی نیازهای آتی پروژه‌های صنعتی و برنامه‌ریزی برای توسعه زیرساخت‌های گازی متناسب با رشد منطقه عنوان شده است. اداریس دهدار، معاون توسعه مدیریت، تجارت و امور شهری منطقه ویژه

مشخصی در حوزه شفافیت و نظم بازار داشته باشد.

با این حال، تجربه مناطق آزاد در ایران نشان داده است که نظارت زمانی اثربخش خواهد بود که همراه با سیاست‌گذاری منسجم و کاهش موانع غیرضروری اداری باشد. افزایش کنترل‌ها بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی فعالان بازار می‌تواند هزینه‌های فعالیت را افزایش دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

در بسیاری از اقتصادهای موفق، مناطق آزاد بر پایه ترکیبی از آزادی اقتصادی و نظام نظارتی هوشمند اداره می‌شوند. به این معنا که دولت با نهادهای مدیریتی، به جای ایجاد محدودیت‌های گسترده، بر شفافیت اطلاعات، رقابت سالم و جلوگیری از تخلفات تمرکز می‌کنند. این الگو می‌تواند برای مناطق آزاد ایران نیز اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

منطقه آزاد انزلی در سال‌های اخیر تلاش کرده است جایگاه خود را به عنوان یک محور تجاری در شمال کشور تقویت کند. توسعه زیرساخت‌های بندری، افزایش ظرفیت‌های لجستیکی و توجه به ارتباط با بازارهای اوراسیا از جمله عواملی هستند که می‌توانند نقش این منطقه را در اقتصاد ملی افزایش دهند.

اما موفقیت این مسیر، تنها به سرمایه‌گذاری فیزیکی وابسته نیست؛ بلکه به ایجاد فضای کسب‌وکار پایدار و قابل اعتماد نیز نیاز دارد.

بازدید اخیر تیم‌های نظارتی سازمان منطقه آزاد انزلی را می‌توان بخشی از همین فرآیند دانست؛ اقدامی که در صورت تداوم با رویکرد کارشناسی، می‌تواند به بهبود عملکرد بازار، افزایش اعتماد عمومی و تقویت جایگاه اقتصادی منطقه منجر شود.

در مقابل، اگر نظارت‌ها صرفاً به افزایش فشارهای اجرایی و پیچیده‌تر شدن فرآیند فعالیت اقتصادی محدود شود، ممکن است نتیجه‌ای متفاوت به همراه داشته باشد. فعالان اقتصادی در مناطق آزاد بیش از هر چیز به ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و هماهنگی میان سیاست‌های حمایتی و نظارتی نیاز دارند.

در نهایت، بازارهای منطقه آزاد انزلی تصویری کوچک از چالش بزرگ اقتصاد ایران ارائه می‌دهند؛ چالشی میان ضرورت توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری از یک سو و نیاز به شفافیت، کنترل بازار و حمایت از مصرف‌کننده از سوی دیگر. موفقیت مدیریت این تعادل، تعیین‌کننده آن خواهد بود که مناطق آزاد تا چه اندازه می‌توانند به اهداف اولیه خود در مسیر رشد اقتصادی و توسعه تجارت منطقه‌ای نزدیک شوند.

اقتصادی پارسیان، در این نشست تأکید کرد که بخش عمده‌ای از صنایع مستقر و در حال احداث منطقه برای بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های خود نیازمند دسترسی مطمئن به گاز هستند. این اظهارات بازتاب‌دهنده یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های توسعه صنعتی در پارسیان است؛ اینکه آینده این منطقه نه فقط به جذب سرمایه‌گذاری، بلکه به توانایی تأمین مستمر انرژی وابسته خواهد بود.

در سوی دیگر، شرکت گاز استان هرمزگان نیز پیام روشنی برای سرمایه‌گذاران ارسال کرد. مدیرعامل این شرکت با تأکید بر آمادگی مجموعه تحت مدیریت خود برای ایفای نقش تسهیل‌گر در توسعه منطقه، از حمایت از طرح‌های صنعتی و تلاش برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد پارسیان سخن گفت. چنین موضع‌گیری‌هایی در فضای رقابتی جذب سرمایه، می‌تواند در تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نقش مهمی ایفا کند.

اهمیت پارسیان تنها به سطح استانی یا حتی ملی محدود نمی‌شود. بسیاری از کارشناسان حوزه انرژی معتقدند این منطقه می‌تواند در سال‌های آینده به یکی از نقاط کلیدی راهبرد ایران برای توسعه صنایع صادرات‌محور تبدیل شود. افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی با ارزش افزوده بالا، توسعه صنایع پایین‌دستی و ایجاد کریدورهای جدید صادراتی از طریق اسکله‌های تخصصی منطقه، بخشی از چشم‌اندازی است که برای پارسیان ترسیم شده است.

در شرایطی که بازار جهانی انرژی و پتروشیمی با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو است و رقابت میان کشورهای منطقه برای جذب سرمایه‌های صنعتی شدت گرفته، توسعه موفق پارسیان می‌تواند جایگاه ایران را در زنجیره ارزش جهانی محصولات پتروشیمی تقویت کند. با این حال، تحقق این هدف نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر در زیرساخت‌هایی است که اغلب کمتر از پروژه‌های بزرگ صنعتی به چشم می‌آیند اما نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت آن‌ها دارند. خطوط انتقال گاز، شبکه‌های توزیع انرژی، تأسیسات پشتیبان و زیرساخت‌های لجستیکی، ستون فقرات توسعه صنعتی محسوب می‌شوند. تجربه مناطق صنعتی موفق در خاورمیانه نشان می‌دهد که هرگاه توسعه زیرساخت‌ها همگام با ورود سرمایه‌گذاران پیش‌رفته، روند رشد اقتصادی نیز شتاب گرفته است. در مقابل، هرگونه تأخیر در آماده‌سازی زیرساخت‌ها می‌تواند موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری شود.